

تکته

دی‌وی‌دی بخر
میلیاردر شو!

دنیا پر از افراد ثروتمند است، اما اگر داستان زندگی هر کدام از آنها را بشنوید، هیچکدام از یک شبه پولدار شدن نمی‌گویند. مثلاً ایلان ماسک، جف بزوز، بیل گیتس یا سلطان آهن دنیا هیچکدام با دیدن یک فیلم انگیزشی یا خواندن یک کتاب پولدار نشده‌اند. آنها سال‌ها کار کرده‌اند، زحمت کشیده‌اند، شکست خورده‌اند و بعد از سال‌ها به ثروت رسیده‌اند. میلیاردر شدن راحت فقط با رسیدن ارث و میراث یک پدر پولدار میسر می‌شود، به همین دلیل کسانی که پدر پولدار ندارند برای ثروتمند شدن باید کار و تلاش کنند. با اینکه چند سالی است در بازار مکاره راه و روش پولدار شدن را می‌فروشند، اما هیچکدام از این کلاس‌های چند میلیونی و روش‌های جذب ثروت و خریدن پورشه با قانون جذب و سوزاندن دارچین روی دلار هیچکدام جواب نداده‌است. کلاس‌هایی که توسط بعضی از افراد به ظاهر ثروتمند باکت و شلوار شیک و ساعت رولکس و ماشین پورشه برگزار می‌شود و نه آن هیچ چیزی برای شرکت کننده ندارد. پیچ‌های اینستاگرام و تلگرام عرصه‌ای برای جوالان این افراد با عنوان‌هایی مثل ثروتمندترین مرد ایران، میلیاردر ۳۰ ساله، اعجوبه پولسازی ایران و سلطان پورشه ایران شده است. این افراد با نمایش دادن ویلاهای بزرگ و اتومبیل‌های لاکچری افراد ناگه و مجبور را که رویای یک شبه پولدار شدن را در سر می‌پروراند، گول می‌زنند. ترفند کار به این شکل است که در پیچ‌های اینستاگرامی تبلیغ می‌کنند که با روش‌هایی که به شما می‌آموزند، شما را در زمان خیلی کوتاه به یک میلیارد تبدیل می‌کنند. برای این کار نقشه‌های زیادی هم دارند، با برگزاری وبینار و کتاب‌های رایگان، افراد زیادی را جذب می‌کنند، اما بعد از مدتی اعلام می‌کنند برای دریافت پیچ آموزشی پولدار شدن باید بین ۵ تا ۲۰ میلیون تومان واریز کنید. داستان از همین جا شروع می‌شود. اول جلب اعتماد صورت می‌گیرد. مثلاً یک نفر انشان می‌دهند که با واریز ۱۰ میلیون تومان و خرید یک پیچ کامل آموزشی در یک ماه ویلا و ماشین مدل بالا خریده‌است. از این شخص فیلم می‌گذارند و او در حالی که سوار ماشین گرانقیمت خود شده برای مردم دست تکان می‌دهد و می‌گوید با پیچ استاد فلانی ثروتمند شدم. این افراد ادعا می‌کنند در پیچ‌های ویژه آموزشی که دارند روش‌ها و ایده‌های مدرن و خلاقانه و دوره‌های آموزشی منحصر به فرد و متفاوت برای رسیدن به ثروت و موفقیت در کسب‌وکار را آموزش می‌دهند. در صورتی که بیشتر این پیچ‌ها پر از کتاب‌های چند صفحه‌ای با جملات تکراری انگیزشی از افراد مشهور دنیا و چند اصل برای یادگیری قانون جذب و البته چند روش برای چیدن فرمان منزل و سوزاندن چوب دارچین و شستن خانه با سر که سفید و جذب کردن ثروت در زمان طلوع آفتاب و... است و در آخر داستان چند میلیون پول صرف چند کتاب و چند جمله و چند توصیه اشتباه می‌شود و هیچکس هم پولدار نمی‌شود.

پدیده ایجاد ثروت در گرو جذب انرژی کیهانی
کائنات من را پولدار می‌کند!

گزارش

فقط صدای فریاد است که شنیده می‌شود. یک نفر یک جمله می‌گوید و بقیه تکرار می‌کنند. مرد فریاد می‌زند، صدایش گرفته، انگار حنجره‌اش طاقت این همه فریاد و این جمله‌های انگیزشی طولانی را دارد. مرد وسط فریادهایش روی زمین می‌نشسیند. بقیه افراد هم روی زمین می‌نشسیند. مرد در حال مراقبه درونی است. همه به او زل زده‌اند. مرد از روی زمین بلند می‌شود و دوباره فریاد می‌زند. حنجره‌اش یاری نمی‌کند. روی یک صندلی می‌نشسیند و به ساعت طلایش نگاه می‌کند. پاهایش را روی هم می‌اندازد تا مارک کفش گرانقیمت‌اش دیده شود و از توی جیبش گوشی لاکچری‌اش را بیرون می‌آورد. دستیارش ادامه می‌دهد. صدای او بهتر است، فریادهایش جان تازه‌ای به دیگران می‌دهد. آنها هم با صدای بلند تر فریاد می‌زنند. جمله‌ها طولانی است، اما همه یک مضمون دارد: «من می‌توانم. من تا ۱۰ روز دیگر یک بنز می‌خرم. ویلای من در شمال تهران در حال ساخته شدن است. سندهای زیادی در چند روز آینده به نام من امضا می‌شود و...»



اکرم احمدی

روزنامه‌نگار

فقط کافی است سوری به اینستاگرام بزنید. هشتک میلیاردر شو، پولسازی در چند روز، با من لاکچری شو، سویچ پورشه در دستان توست و... شما را به پیچ‌هایی می‌رساند که قول داده‌اند با متدهای آنها حتماً میلیاردر می‌شوید. این پیچ‌ها انواع مختلفی دارند؛ یا وابسته به شرکت‌های هر می‌هستند یا خودشان مدعی هستند که با خرید پیچ‌های آنها حتماً به ثروت زیادی خواهید رسید. در این پیچ‌ها مردان و زنان شیک پوشی را می‌بینید که سوار ماشین آخرین مدل از یک ویلای لاکچری بیرون می‌آیند و به دوربین زل می‌زنند و می‌گویند با خرید پیچ‌های استاد... ثروتمند شدم. افرادی که هویت شناخته شده‌ای ندارند و فامیل و دوست و آشنای هیچکدام از ما نیستند. افرادی گمنام که رو به دوربین لیخنند می‌زنند و سر مست از ثروتی هستند که به دست آورده‌اند. با اینکه این افراد را هیچکس نمی‌شناسد، اما افراد مال‌باخته و کسانی را که پول زیادی برای خرید پیچ‌های دروغین و بی‌ارزش خرج کرده‌اند، آشنا هستند. مازیا، نیما و پرسا با رویای پولدار شدن مبالغ زیادی صرف همایش‌ها و کلاس‌های خصوصی و پیچ‌های آموزشی این افراد کرده‌اند، اما هیچ‌وقت پولدار نشده‌اند و حتی پولی که داشته‌اند را هم از دست داده‌اند.

تا خرج نکنی پولدار نمی‌شوی!

مازیا برای جوانی ۲۴ ساله است. او حسابداری خوانده اما هنوز نتوانسته یک شغل ثابت برای خودش پیدا کند. با اینکه خیلی هم اهل رؤیاپروری نیست، اما در اینستاگرام ویدیویی می‌بیند که او را ترغیب می‌کند پی کار را بگیرد. برای همین در یکی از گروه‌های «استاد ح. شرکت می‌کند.» اول بیشتر به دلیل کنجکاوی و اینکه می‌خواستیم ببینیم چه می‌گویند در این کلاس‌ها شرکت کردم. به نظرم حرف‌های سخنران جالب بود. همه دوره‌ها هم رایگان بود. اول با سوزاندن دارچین روی اسکناس دلار شروع شد. باید دلار می‌خریدیم و چوب دارچین را روی آن آتش می‌زدیم و دور خانه می‌چرخانیم و می‌گفتیم من برای کائنات خرج می‌کنم تا کائنات به من پس بدهد. شب‌ها هم باید یکسری جمله‌های انگیزشی می‌گفتیم و قبل از خواب رؤیای درازی می‌کردیم. یعنی باید خودمان را در یک خانه بزرگ و شیک تصور می‌کردیم که در پارکینگ آن چند خودرو گرانقیمت پارک شده است. روی تخت‌مان هم دسته‌های دلار و یورو چیده شده است. صبح‌ها هم باید دوش ثروت می‌گرفتیم و آرزو می‌کردیم هر قطره آبی که روی سرمان می‌ریزد به اسکناس ۱۰۰ دلاری تبدیل شود! اما داستان مازیا به اینجا ختم نمی‌شود؛ چون این تازه شروع ماجراست: «بعد از چند همایش رایگان کلاس خصوصی برگزار کردند و گفتند این کلاس‌های تکمیلی است و برای شرکت در این کلاس‌ها نفری ۲ میلیون تومان از ما گرفتند. من می‌خواستیم ببینم

پایان کار چه می‌شود. مدام یک صدایی در درونم می‌گفت اگر درست باشد چی؟ با اینکه شک و تردید داشتم اما آن صدا رهایم نکرد. در آن کلاس خصوصی درباره انرژی‌ها صحبت کردند و اینکه چطور وسایل خانه را بچینیم که نیروی جذب پول از خانه بیرون نرود. مثلاً می‌گفتند باید پادری به رنگ طلایی جلوی در خانه بیندازید تا پول را جذب کند. یا می‌گفتند هر شب باید در چهار گوشه خانه شمع روشن کنید و یکسری عدد می‌دادند که باید آنها را تکرار می‌کردیم. می‌گفتند این کد طلایی جذب ثروت است. می‌گفتند تخت‌خواب‌تان نباید کنج دیوار باشد؛ چون آنجا انرژی در حال حرکت است و وقتی به شما می‌خورد بر می‌گردد و پولدار نمی‌شوید و...» مازیا بعد از شرکت در این کلاس‌ها به صورت اتفاقی شغلی با حقوق بسیار خوب پیدا می‌کند: «فکر می‌کردم این کاری که پیدا کرده‌ام به دلیل کارهایی است که انجام داده‌ام و کائنات برای من کنار گذاشته است. در این کلاس‌ها مدام به ما می‌گفتند برای پولدار شدن باید خرج کنی و گرنه کائنات چیزی به تو نمی‌دهد. من هم فکر می‌کردم چون خرج کرده‌ام حالا کائنات به من هدیه می‌دهد. همین موضوع باعث شد به این کلاس‌ها و استاد ح اعتماد کنم. تا اینکه به ما گفتند مراحل اولیه را پشت سر گذاشته‌ایم و حالا وقت میلیاردر شدن است و دیگر نباید چشم‌مان به پول‌های خرد باشد. به همین دلیل باید از آنها یک پیچ آموزشی به قیمت ۱۵ میلیون تومان می‌خریدیم. ۱۵ میلیون تومان برای من پول زیادی بود اما یک صدایی در درونم می‌گفت تو با این کلاس‌ها یک شغل خوب پیدا کرده‌ای، پس این را هم امتحان کن. به منشی استاد گفتم به من تخفیف بدهید؛ من تازه شغل پیدا کرده‌ام. او به من گفت تا خرج نکنی پولدار نمی‌شوی. الان این ۱۵ میلیون را می‌دهی اما چند روز دیگر ۱۰۰ برابر آن از طرف کائنات به تو می‌رسد. پیچ را که خریدم در تاکسی آن را باز کردم. یک دی‌وی‌دی و چند کتاب برای من ۱۵ میلیون تومان خرج برداشته بود، اما امیدوار بودم که با همین چیزهای کوچک میلیاردر می‌شوم؛ چون به گفته استاد ح من برای کائنات خیلی خرج کرده بودم.» اما کائنات هیچ محلی به مازیا نگذاشت؛ چون پولی به دستش نرسید هیچ، حتی همه پس‌اندازش را هم خرج کلاس‌های خصوصی کرده بود که ته آن هیچی نداشت: «یک ماه منتظر ماندم هیچ اتفاقی نیفتاد. ماه دوم و سوم هم گذشت. شش ماه گذشت اما هیچ خبری از ثروت و ماشین لاکچری نشد. حتی یک سال بعد هم هیچ اتفاقی نیفتاد. یک روز به محل کلاس‌ها و برگزاری همایش رفتم تا با استاد ح صحبت کنم تا ببینم ایراد کار کجاست. اما هیچکس آنجا نبود. سرایدار ساختمان گفت حدود یک سال است که از اینجا رفته‌اند. یعنی درست یک سال بعد از فروش پیچ‌های آموزشی ۱۵ میلیون تومانی. نمی‌دانم چند نفر مثل من به آنجا مراجعه کرده بودند که

سرایدار به من گفت تو هم گول خورده‌ای؟!»

هیچی جذب نکردم

نیما همه هدیه‌هایی که سر عقد به او و همسرش داده‌اند را خرج جذب پول و ثروت کرده اما به قول خودش هیچی جذب نکرده است: «هیچ یک صفر بزرگ. حساب خالی خالی خالی.» نیما هم مثل مازیا در اینستاگرام با این پیچ‌های جذب ثروت آشنا می‌شود: «روزهای اول فقط چند تا از این پیچ‌ها را می‌دیدم. پست‌ها را می‌خواندم و برام جالب بود. یعنی در هیچ کلاس و همایشی شرکت نمی‌کردم. تا اینکه در یکی از این پیچ‌ها اعلام کردند گروه‌هایی جذب انرژی و ثروت دارند. در یکی از کافه‌های دربند قرار گذاشته بودند. هیچ پولی نمی‌همی خواستند. من دیر به برنامه رسیدم. وقتی می‌خواستم ماشینم را پارک کنم، مرد جوانی به من گفت من انرژی جذب را در چشم‌های تو دیدم. به من گفت دیدی چقدر سریع جای پارک پیدا کردی؟ این یعنی در مسیر درستی قرار داری. من هم از او تشکر کردم و رفتم. در کافه حدود ۴۰ نفر بودیم. اول خانم جوانی صحبت کرد و از انرژی و فنگ‌شویی و جذب پول گفت و بعد آن مرد جوان وارد شد. وقتی من را دید به من لیخنند زد و با صدای بلند گفت این مرد زودتر از همه شما پولدار می‌شود؛ چون جذب انرژی‌اش خیلی بالاست. بعد از آن دور همی کافه انگار روحیه گرفته بودم. دیگر در همه دورهمی‌های «استاد ح.» شرکت می‌کردم. مرد شیک پوش و خوش صحبتی بود و خیلی هم ولخرجی می‌کرد. مدام می‌گفت وقتی خرج می‌کنی و حساب را خالی می‌کنی، جایش سریع پر می‌شود و...» اما جای خالی پول‌هایی که نیما خرج کرد هیچ‌وقت پر نشد: «یک روز به ما پیام دادند که باید در یک دورهمی شرکت کنیم. در آن دورهمی همسر «استاد ح.» به ما گفت برای شما پیچ‌هایی تهیه کرده‌ام که بدون هیچ شک و تردیدی باید آنها را بخرید و گرنه پولدار نمی‌شوید. چون باشک کردن انرژی جذب پول منحرف و از مادر می‌شود. ماهم که در این چند ماه به «استاد ح.» و همسرش خیلی اعتماد پیدا کرده بودیم، پیچ آموزشی را خریدیم. پیچ ۲۰ میلیون تومانی فقط یک دی‌وی‌دی بود که «استاد ح.» می‌گفت حاصل سال‌ها زحمت و پژوهش او روی عدد‌ها و کدها و انرژی‌هاست. من هدیه‌های سرعقدمان را فروختم و با پولش یک دی‌وی‌دی خریدم که فکر می‌کردم حکم جواز ورود به دنیای میلیاردرها را دارد و می‌تواند به راحتی مرا پولدار کند. من موبه موبه همه توصیه‌های داخل دی‌وی‌دی عمل کردم. هر روز دوش ثروت می‌گرفتم. اسماج دفع انرژی بد روشن می‌کردم و دور خانه می‌چرخاندم. هر روز یکسری جمله می‌نوشتم و با صدای بلند تکرار می‌کردم. دیوار اتاقم پر بود از جمله‌های انگیزشی که تا چند روز دیگر ۱۰ میلیارد تومان به حساب من واریز می‌شود و... اما بعد از چند ماه هیچی جذب

نکردم. حسابم از روز اولم هم خالی تر بود. خالی خالی.»

هنوز هم باورم نمی‌شود

پرسا همچنان امیدوار است. با اینکه حدود ۵۰ میلیون تومان در یک سال گذشته برای جذب ثروت خرج کرده و هیچ پولی به دست نیاورده اما دلش نمی‌خواهد شکست را باور کند. این را همسر پرسا می‌گوید که حسابی از کارهای او شاکی است. اما پرسا همچنان به توصیه‌های استادش عمل می‌کند و می‌گوید یک روز حتماً پولدار می‌شود: «باید برای هر چیزی صبر کرد. من هم صبر می‌کنم. تازه شروع ماجراست. مگر چند وقت است که با انرژی‌ها آشنا شده‌ام. استخدام می‌گوید اول باید انرژی‌ها را بشناسی بعد با آنها مأنوس شوی و بعد آنها را به سمت خودت جذب کنی.» همسر پرسا می‌گوید: «یک سال زندگی ما با جمله‌های عجیب و غریب طی می‌شود. از صبح تا شب عود روشن می‌کند و دور خانه می‌چرخاند و جمله‌های انگیزشی را مثل ورد می‌خواند. میلان خانه را طوری می‌چیند که انرژی خوب در آن بچرخد. برای خرید کدهای کیهانی پول می‌ریزد و کدها را در خانه تکرار می‌کند. هر کد را حدود ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان می‌خرد. من هم که اعتراض می‌کنم می‌گوید لطفاً باور من را خراب نکن.» به قول همسر پرسا او در یک سال گذشته کارهای عجیب و غریب زیادی انجام می‌دهد: «مثلاً قبل از خوردن آب بسا لیوان آب صحبت می‌کند و می‌گوید که هر قطره آن در بدنش به قدرتی برای جذب پول و ثروت تبدیل شود. هر چند وقت یک‌بار هم در کارگاه پاسکاری شرکت می‌کند و می‌گوید بدنش باید از آلودگی‌های زمینی پاک شود تا بتواند خوبی‌ها و انرژی‌ها را جذب کند. فقط پول‌های من را می‌گیرد و خرج کارهایی می‌کند که می‌دانم بی‌اساس است. من ۱۰ سال است کار می‌کنم و زحمت می‌کنم و به سختی پول در می‌آورم. مگر می‌شود پول الکی و بدون زحمت به دست بیاید. بله می‌شود با کلاهبرداری و پول مردم را خوردن و پول حرام پولدار شد، اما من مطمئنم بدون زحمت و کار کردن هیچکس ثروتمند نمی‌شود. همان بیل گیتس معروف هم اول کلی کار کرده است. یک کسب‌وکاری راه انداخته و پولدار شده است. همین‌طور پشت میز ننشسته و جمله‌های مسخره نگفته که پول برایش از آسمان بریزد.» اما پرسا به حرف‌های همسرش اعتنان نمی‌کند: «چند روز دیگر یک همایش بزرگ دارند. استاد می‌گفت برای جذب پول در زمستان برنامه دارند. می‌گفت باید برای همراهی با هر دانه باران و برفی که به زمین می‌بارد، انرژی مثبت بفرستیم تا این انرژی‌ها به سمت ما برگردد و از آسمان پول به سرمان بیارد. من باور دارم این دفعه حتماً می‌شود و پولدار می‌شوم.» همسر پرسا سرش را تکان می‌دهد و می‌گوید: «این انرژی را برای باران پاییز هم فرستادم اما هیچ پولی روی سرمان نیارید.»

